

افزایش نرخ ارز، وزنه‌ای سنگین بر پای قیمت تمام شده کالا...

هوشنگ ادهمی عضو دیگر هیات نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران با اشاره به اینکه اعمال سیاست افزایش نرخ ارز می‌تواند در حوزه واردات همانند یک وزنه سنگین ظاهر شده و منجر به گرانی مواد اولیه وارداتی شود، می‌گوید: «با وجود تاثیر منفی افزایش نرخ ارز بر تولید داخل با نگاهی دیگر و وسیع‌تر به این مساله می‌توان گفت این امر فرصتی را در اختیار بخش تولید کشور قرار می‌دهد تا به جای واردات مواد اولیه خارجی، اقدام به جایگزینی و تولید این مواد با قیمتی بسیار پایین‌تر در داخل کشور کنند.»

وی معتقد است: «اعمال این سیاست با دیدگاه فوق می‌تواند موجب ایجاد انگیزه برای تولیدکنندگان داخلی و کاهش قیمت تمام شده تولید در کشور شود.»

ادهمی می‌افزاید: «در صورتی که نرخ ارز افزایش یابد شعار دولت نیز مبنی بر محوریت صادرات غیرنفتی بیش از پیش محقق می‌شود که البته این امر نیازمند اتخاذ یک برنامه‌ریزی کارشناسی و صحیح است.»

به گفته وی کارآمدی برنامه‌ریزی صادرات محور منوط به این است که از بخشی‌نگری در آن جلوگیری شده و راهکارها به صورت همه جانبه لحاظ شود.

عضو اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران با اشاره به اینکه به ارز باید به عنوان یک کالا نگاه شود، اضافه می‌کند: «باید به این مساله نیز توجه داشت که افزایش نرخ ارز تنها یکی از راهکارها و سیاست‌هایی است که باید در راستای اهداف توسعه صادرات غیرنفتی مورد توجه قرار گیرد و در این خصوص باید جوانب دیگر نیز مورد سنجش قرار گیرد.»

.... نیازی به افزایش قدرت پول ملی نداریم، بلکه محتاج صادراتیم



فرهاد فزونی عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران با بیان اینکه عمده ارز وارداتی به کشور، حاصل فروش نفت خام است که توسط دولت وارد می‌شود، می‌گوید: «

درواقع بزرگترین فروشنده و بزرگترین خریدار ارز، خود دولت است. دولت برای اینکه هزینه‌هایش را در کشور تامین بکند، مجبور است بخش عمده‌ای از درآمد حاصل از فروش نفت خام را به ریال تبدیل بکند. این کار به سادگی امکان‌پذیر نیست. دولت ارز را در اختیار بانک مرکزی قرار می‌دهد و بانک مرکزی باید به ازای آن ریال به دولت بپردازد.»

وی معتقد است: «بازار ما تا این حد نیاز به دلار ندارد. بنابراین اگر بانک مرکزی بخواهد در مقابل این مقدار موجودی ارزی، اسکناس جدید چاپ کند، پایه پولی کشور



نظر صادرکنندگان در مورد نرخ بهینه ارز:

افزایش صادرات از افزایش قدرت پول ملی مهم‌تر است

[گزارش: پریسا پناه‌خواهی]

سیاست داخلی ما طی سال‌های اخیر، مدیریت نرخ ارز شناور از سوی بانک مرکزی بوده است. روشی که هر چند به مصلحت واردکنندگان است اما گویا نظر اهالی صادرات را تامین نمی‌کند. در گفتگویی که با صادرکنندگان فعال داشتیم، نظرات تعدادی از آنها را در این خصوص جویا شدیم.

بالا می‌رود و در نتیجه تورم‌زا خواهد بود.»

فرونی توضیح می‌دهد: «راه دیگر فروش این ارز، ارائه آن به واردکنندگان برای تامین مواد اولیه، ماشین‌آلات و یا مواد مصرفی است. اما اگر خواهان این هستیم که ارز را به واردکنندگان بفروشیم، باید نرخ بدهیم که آنها مایل به خرید باشند. بنابراین نرخ ارز را بازار واردکنندگان کالا تعیین می‌کند و به همین دلیل نرخ ارز در این مملکت پایین نگه داشته شده‌است.»

این صادرکننده می‌گوید: «در برنامه چهارم توسعه به صراحت آمده است که دولت‌ها موظفند در تعیین نرخ ارز، مابه‌التفاوت تورم داخلی و متوسط تورم بین‌المللی را به قیمت ارز اضافه کنند. یعنی اگر تورم بین‌المللی را پنج درصد و تورم داخلی را ۲۰ درصد در نظر بگیریم، دولت موظف است که نرخ ارز را معادل این ۲۵ درصد بالا ببرد تا صادرکننده ایرانی بتواند حداقل اجناس خود را با قیمت تمام شده قبلی در بازارهای رقابتی عرضه کند. در غیر این صورت هزینه تولید بالا می‌رود، قیمت فروش به آن اندازه‌ای که باید افزایش نمی‌یابد و قدرت رقابت صادرکننده ایرانی از بین می‌رود.»

وی ادامه می‌دهد: «دولت متاسفانه به علت نرخ تورم بالا که ظرف چند سال گذشته وجود داشته، این کار را انجام نداده است. در نتیجه صادرکننده با مشکل فروش کالا در بازارهای بین‌المللی مواجه شده است. دولت معتقد است که اگر قیمت ارز را بالا ببرد، قیمت تولید هم بالا خواهد رفت. اما این امر به طور مطلق قابل قبول نیست، چون ممکن است تنها ۵۰ درصد از هزینه تمام‌شده مربوط به مواد اولیه باشد و ۵۰ درصد دیگر هزینه کارگر و یا ارزش افزوده است. بنابراین وقتی ۲۰ درصد قیمت ارز را بالا ببرید، با احتساب افزایش قیمت مواد اولیه، قیمت تمام شده تنها ۱۰ درصد بالا می‌رود، اما درآمد حاصل از فروش این کالاها ۲۰ درصد افزایش خواهد داشت.»

عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران ضمن مهم خواندن تعیین ارزبری کالاهای صادراتی، می‌گوید: «طبق اعلام وزارت صنایع و معادن، از سال ۸۰ به بعد این کار اصلاً انجام نشده است. در نتیجه هیچ آمار درستی وجود ندارد که بگوید اگر نرخ ارز ۲۰ درصد افزایش یافت، قیمت تمام‌شده کالا چقدر تغییر خواهد کرد. با روش کنونی دولت فقط به واردکنندگان یارانه می‌دهد. مساله نرخ ارز در کشور ما از هیچ نظر بحث علمی نیست. باید وزارت صنایع و معادن در ابتدا ارزبری کالاهای صادراتی را تعیین می‌کرد، بعد از آن در مورد چگونگی و میزان نرخ ارز می‌توانستیم به طور علمی و براساس آمار دقیق صحبت کنیم.»

وی افزود: «البته برخی کالاهای عمده صادراتی ما میزان ارزبری چندانی ندارند. در واقع میزان ارزبری فرش، مواد غذایی، خشکبار (از جمله پسته) و کالاهای پایه نفتی که اقلام عمده صادرات کشور را تشکیل می‌دهند، بسیار کم است. بنابراین می‌شود به طور نسبی گفت که اگر قیمت ارز بالا برود، صادرکنندگان ما در بازارهای بین‌المللی توان

عضو هیات نمایندگان

اتاق بازرگانی تهران:

اگر بتوانیم روش عرضه و تقاضا

را در بازار ارز تغییر بدهیم، ارز

نرخ بهینه خود را به سمتی که

برای تولید و صادرات مناسب

باشد، پیدا خواهد کرد

رقابتی بیشتری دارند. اما متاسفانه این موضوع با مخالفت دولت مواجه است.»

وی در ادامه متذکر شد: «باید قبول کنیم شرط بالا رفتن قیمت ارز این است که دولت انضباط مالی بیشتری داشته باشد و هزینه‌های جاری دولت کاهش پیدا کند. در این شرایط می‌توان برای نرخ ارز تصمیمات بهتری گرفت. الان دولت به دلیل احتیاجات مالی که دارد این اجازه را نمی‌دهد. دولت باید تقاضایش را برای فروش ارز کم کند. بالا رفتن نرخ ارز موجب کاهش واردات می‌شود، کالاهای مصرفی از داخل تامین خواهد شد و بنابراین تولید و اشتغال و سطح درآمدها افزایش پیدا خواهد کرد.»

فرونی معتقد است: «افزایش قدرت پول ملی و اقتدار پول ملی، یک شعار تبلیغاتی است. الان بزرگترین مشکلی که دنیا با چین دارد، مساله ارزش یوان است. چین در حال حاضر شاید بزرگترین صادرکننده جهان باشد و سالیانه به طور میانگین ۱۲ درصد رشد اقتصادی دارد، اما نرخ یوان را به نسبت دلار تغییر می‌دهد. هرچقدر دلار افت می‌کند نرخ یوان هم کاهش پیدا می‌کند و برعکس. دلیل این کار حفظ بازارهای صادراتی است تا به این ترتیب رشد ۱۲ درصدی را حفظ کند. به این ترتیب اشتغال حاصل از تولید را حفظ می‌کند. ما هم نیازی به افزایش قدرت پول ملی نداریم، بلکه باید زمینه تولید و صادرات را بیشتر کنیم.»

... رقابت نابرابر ارز حاصل از نفت در مقابل

عواید ارزی ناشی از صادرات

پدرام سلطانی یکی دیگر از اعضای هیات نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران نیز نرخ کنونی ارز را به هیچ وجه نرخ متعادلی برای تشویق و توسعه تولید کشور و ایجاد تعادل بین واردات و تولید داخلی نمی‌داند. وی معتقد است: «نرخ ارز در کشور ما نرخ شناور مدیریت شده است. یعنی این نرخ با توجه به مجموع واقعیات اقتصاد ما در زمینه عرضه و تقاضا برای ارز و در کنار آن کنترل بانک مرکزی برای اینکه نوسانات



شدیدی در نرخ ارز ایجاد نشود، محقق شده است. اما علت اصلی اینکه نرخ ارز با وجود اینکه شناور و مدیریت شده است، بازهم به نفع اقتصاد و صادرات کشور نیست، این است که منابع درآمدی کشور چندان وابستگی به تولید ملی ندارد.»

وی افزود: «در واقع اتکای درآمد ارزی کشور ما به نفت است و نفت هم اصولاً کالایی است که بیش از آنچه که در بازارهای بین‌المللی به واسطه ارزش تمام‌شده و هزینه تولیدش فروخته شود، به واسطه میزان تقاضای موجود در بازار و نهایتاً ارزش افزوده ناشی از کم‌یابی این محصول به عنوان ذخیره زیرزمینی به فروش می‌رسد. به تعبیر ساده، هزینه تولید نفت در کشورهای نفت‌خیز خصوصاً حوزه خلیج فارس، برای هر بشکه بیش از هفت دلار نیست. در صورتی که در وضعیت فعلی هر بشکه نفت بالاتر از ۷۰ دلار به فروش می‌رسد. بنابراین در یک مقایسه ساده می‌بینیم که نفت کالایی است که قیمت فروشش ۱۰ برابر قیمت تمام‌شده آن است. یعنی تجارتی با هزار درصد سود. در حالی که نرخ متعادل سود در تولید، رقمی در حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد است. چنین سودی در هیچ یک از بخش‌های اقتصادی کشور ما وجود ندارد.»

از نظر این صادرکننده، دولت برای تامین بودجه که به دلیل بزرگ بودن دولت، بسیار کلان و انبساطی است، مجبور است که ارز حاصل از فروش نفت را به فروش برساند: «از سوی دیگر برای دولت به صرفه است که به هر قیمتی ارز حاصل از نفت را به ریال تبدیل کند. چون حاشیه سود به حدی بالاست که اگر نرخ دلار از هزار تومان در حال حاضر به ۸۰۰ تومان کاهش یابد، هزینه تمام‌شده نفت برای دولت در مقایسه با مبلغی که به واسطه فروش نفت به دست می‌آورد، ایجاد سود بالا و قابل قبولی خواهد کرد. طبیعی است که در یک چنین رقابت نابرابری که یک ورودی ارزی بسیار بزرگ حاصل از نفت داریم و تبدیل آن به ریال با هر رقمی صرفه اقتصادی برای دولت دارد، در مقابل عواید ارزی که از صادرات حاصل می‌شود و با کاهش حتی ۵۰ تومانی نرخ ارز امکان دارد سود صادرکننده از بین برود، موجب می‌شود هیچ‌کدام از بخش‌های تولیدی و صادراتی ما در شرایط فعلی سودآور نباشند.»

سلطانی اظهار داشت: «در واقع نرخ کنونی ارز بیش از آنکه نشان دهنده توان تولید و صادرات باشد، نشان دهنده توان دولت در میزان تحمیل نرخ ارز به بازار ناشی از فروش نفت و گاز است. بر خلاف بسیاری از همکاران که در خصوص نرخ بهینه ارز بحث می‌کنند، چنین نقطه نظرهایی را درست نمی‌دانم. بلکه فکر می‌کنم اگر بتوانیم روش عرضه و تقاضا را در بازار ارز تغییر بدهیم، ارز نرخ بهینه خود را به سمتی که برای تولید و صادرات مناسب باشد، پیدا خواهد کرد. هر چقدر بتوانیم میزان تزریق ارز ناشی از درآمدهای نفت و گاز دولت را به بازار کاهش بدهیم، سبب ارزی کشور، به درآمدهای ارزی که از منابع تولیدی دیگر به بازار ارائه شده است، بیشتر نزدیک

می‌شود.»

وی راه‌حل این مسائل را در دست دولت می‌داند و معتقد است: «هر چقدر دلار نفتی را از بازار بیرون بکشید، واردکننده مجبور است به سمت ارز حاصل از تولید و صادرات برود و از آنجا که نرخ ارز حاصل از تولید و صادرات فعلا در مقایسه با ارز نفتی رقم کمتری است، هماهنگی عرضه و تقاضا نرخ تعادلی ایجاد خواهد کرد. البته این روند در آینده خودش را اصلاح می‌کند و میزان عرضه و تقاضا متوازن می‌شود. به این ترتیب قیمت ارز در نقطه‌ای قرار می‌گیرد که هم برای تولید و صادرات و هم برای واردات توجیه پیدا می‌کند. با اجرای این روش ممکن است در ابتدا نرخ ارز افزایش پیدا کند، اما به مرور به تعادل می‌رسد و چه بسا کاهش پیدا می‌کند. تمام این نوسانات در نهایت به نفع تولید و صادرات است.»

این عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران در خصوص نحوه تعیین نرخ ارز گفت: «مکانیزم‌های تعیین نرخ ارز در دنیا چند روش مشخص است؛ برخی از کشورها نرخ پول ملی را نسبت به یک ارز ثابت کرده‌اند مثل کشورهای حاشیه خلیج فارس. بعضی از کشورها هم با توجه به بنیه اقتصادی قوی که دارند تعیین نرخ ارز خودشان را کاملا به عرضه و تقاضای ارز در بازارهای جهانی سپرده‌اند مثل کشورهای اروپایی و آمریکا. گروهی از کشورها هم در بین این دو طیف قرار دارند و به نوعی این نوسانات را کنترل می‌کنند مثل کشور ما. البته گاهی اوقات ممکن است که از کنترل هم خارج شود. در چنین نظام‌های ارزی که دولت مجبور است هزینه‌های خود را تامین کند و منبع تامین هزینه‌ها هم دلار حاصل از نفت است، انتخابی برای دولت و بانک مرکزی باقی نمی‌ماند که نرخ ارز را در مقیاس بالاتری نگه دارد. تنها راه حل این است که دولت خودش را کوچک بکند. هرچقدر دولت کوچکتر باشد نیازهای بودجه‌ای کاهش پیدا می‌کند و با کاهش نیازهای بودجه‌ای، دولت بخش بزرگی از نیازها از طریق منابع دولتی را کاهش می‌دهد. هیچ راهکار دیگری وجود ندارد.»

وی افزود: «واقعیت سیاست‌های ارزی در کشور ما این است که در یک پارادوکس گرفتار هستیم. پارادوکسی که

اگر دولت بخواهد منابع بودجه‌ای خودش را تامین کند، تولید و صادرات به شدت کاهش می‌یابد و اگر نخواهد این کار را بکند، خودش دچار کسری بودجه می‌شود.»

نرخ ارز یک چاقوی دوله است ...



مهدی جریانی یکی دیگر از صادرکنندگان فعال کشور در خصوص نرخ ارز به خبرنگار ما گفت: «نرخ ارز یکی از شاخصه‌های مهم در اقتصاد

کلان هر کشور و یکی از ابزارهایی است که می‌تواند شاخص‌های اقتصادی را تحت‌تاثیر قرار بدهد. اگر کشوری از نظر اقتصادی در حال رشد و یا ثبات باشد، شاهد استحکام نرخ ارز در رابطه با پول ملی آن کشور خواهیم بود و اگر در کشوری اقتصاد در حالت نزولی و یا بی‌ثبات و تولید ناخالص داخلی و صادرات در حال کاهش باشد و درآمد ملی نتواند در وضعیت اقتصادی جامعه تعادل ایجاد کند، نرخ ارز یکی از شاخصه‌های است که به سرعت واکنش نشان می‌دهد و ارزش پول ملی کاهش می‌یابد. بنابراین ارزش و اهمیت نرخ ارز در رابطه با پول ملی بسیار بااهمیت و ویژه است.»

وی در عین حال متذکر شد: «چون در کشور ما تصمیم‌گیرنده در مورد تعیین نرخ ارز و هدایت‌کننده و سیاست‌گذار دولت است، ظرف پنج سال گذشته به نحوی که تورم در جامعه ما داشته، نرخ دلار به ریال آن تاثیر افزایش‌یابنده را نداشته است. در واقع می‌توانیم بگوییم یک چهارم از میزان تورم، در قیمت ارز منعکس شده است. بنابراین اگر صادرکننده بخواهد کالایی را با ریال تهیه و به دلار پایین‌تر از نرخ شناور و واقعی عرضه بکند، متضمن یکسری ضرر و زیان خواهد شد.»

جریانی تبعات چنین اتفاقی را این گونه برشمرد: «بحث اول کاهش سود معاملات است. به موجب قانون برنامه چهارم مقرر شده بود نرخ ارز به صورت شناور در اقتصاد ایران تعیین شود که متأسفانه این مساله اعمال نشد. راه دیگر این است که از طریق مشوق‌ها و جوایز صادراتی، بخشی

از زبان‌های ناشی از تاثیر تورم داخلی را برای صادرکننده جبران کنیم. اما درصد جوایز معمولاً به حدی پایین است که جوابگوی تورم داخلی و هزینه‌ها نیست. از سوی دیگر مکانیزم و بروکراسی دریافت جوایز صادراتی بسیار طولانی است. سازمان توسعه تجارت هم معمولاً با کمبود بودجه برای ارائه جوایز صادراتی روبرو بوده است.»

او معتقد است: «با افزایش معقول و هدایت‌شده ارز می‌توانیم شاهد افزایش صادرات باشیم. البته نباید از این نکته هم غافل بود که افزایش بی‌رویه قیمت دلار می‌تواند به واردات ما لطمه بزند و قیمت واردات را بالا ببرد و مجدداً قیمت تمام‌شده کالا افزایش پیدا کند.»

جریانی با اشاره به این که نرخ ارز یک چاقوی دوله است که از هر طرف استفاده شود می‌تواند اثرات منفی در اقتصاد ما داشته باشد، می‌گوید: «روش‌های مختلفی در زمینه کنترل قیمت واردات وجود دارد. یکی از این روش‌ها بازی با تعرفه و کاهش و یا افزایش تعرفه‌ها به نسبت موقعیت است. دیگری نرخ ارز است. اگر نرخ ارز بالا برود و یا پایین بیاید به طور طبیعی در قیمت تمام‌شده کالا موثر است.»

وی در خصوص اقدامات دولت برای مقابله با چنین مسائلی اظهار داشت: «در آن خصوص دولت می‌تواند از یکسری ویژگی‌های ارز خاص برای اقلام مصرفی و ضروری استفاده کند. البته با توجه به اینکه ما به دنبال ورود به WTO و اقتصاد رقابتی هستیم، لذا باید از بوروکراسی‌ها بکاهیم و رانته‌ها و فسادهای مالی و اداری را از بین ببریم، در حالی که اعمال روش‌های دونرخی و چندنرخی خود به خود زمینه‌های فساد را دامن می‌زند. بنابراین در مقوله واردات باید به نحوی عمل کرد که این افزایش نرخ ارز هم بتواند قسمتی از افزایش تورم داخلی را در صادرات جبران کند و هم تولید داخلی به صرفه شود. در این صورت به جای اینکه کالاهای ارزان‌قیمت چینی را با دلار هزار تومان وارد کنیم، برای واحدها اقتصادی توجیه خواهد داشت که تولیدات خود را افزایش دهند.»

جریانی معتقد است: «فرمولی برای تعیین نرخ ارز وجود ندارد. چون هر کدام از گزاره‌های چنین فرمولی، عوامل متغیر هستند که مسائل پنهان و آشکار سیاسی و اقتصادی در آنها موثر است. در دنیا هم اگر چه صحبت از اقتصاد آزاد می‌کنند و می‌گویند نرخ ارز باید در رابطه با میزان تقاضای آن تعیین شود، اما حتی در آزادترین اقتصادهای دنیا هم سیاست‌گذاری دولت و بانک مرکزی یک نکته کلیدی است، زیرا ابزارها را باید به نحوی انتخاب کرد که کمترین آسیب به بدنه اقتصاد وارد شود.»

